

## واکاوی مبانی فقهی حقوقی وقف بر جنین در فقه مذاهب اسلامی و قانون مدنی

رضا رهبر

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

نام نویسنده مسئول:

رضا رهبر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴

### چکیده

از جمله شرایط مهم وقف آن است که موقوف علیه، هنگام وقف موجود باشد و عین موقوفه را قبض نماید. این شرط موجب اختلاف نظر در مورد صحت وقف بر جنین شده است، مشهور فقهاء معتقدند جنین به دلیل عدم توانایی قبض عین موقوفه و اهلیت تملک نداشتن نمی‌تواند به عنوان موقوف علیه تلقی شود. متقابلاً عده ایی از فقهاء بر این عقیده‌اند که وقف بر جنین صحیح است و وقف عقدی تملیکی نیست تا اهلیت تملک نیاز داشته باشد و قبض عین موقوفه نیز از طرف ولی جنین یا حاکم قابل تحقق می‌باشد. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ایی و نرم افزار های مرتبط تدوین شده به بررسی و تحلیل أدله مشهور پرداخته و به این نتیجه دست‌یافته‌ایم که وقف بر جنین صحیح است و قبض شرط لزوم وقف است نه شرط صحت آن و تا زمانی که جنین به دنیا بیاید و به بلوغ و رشد برسد ولی او، قبض عین موقوفه و استفاده از آن را در جهت مصالح جنین به عهده دارد.

**واژگان کلیدی:** جنین، وقف، قبض، موقوف علیه، اهلیت تملک.

## مقدمه

وقف به عنوان یکی از برترین مصادیق احسان و نیکوکاری است که در سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی نقش فراوانی دارد.

وقف از اموری است که قبل از اسلام بین جوامع متداول بوده و اسلام آن را تایید و امضا نموده است. وقف یکی از مباحث فقهی است که در کتب فقهی به طور مفصل در باره انواع آن و شرایط صحت و احکام مربوط به آن بحث شده است، در قرآن مجید آیه ایی که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد وجود ندارد ولی می توان از باب اولویت با آیات مربوط به احسان، انفاق، قرض الحسنه، تعاون و صدقه به جواز و استحباب آن استدلال کرد. در فرهنگ اسلامی برای وقف، واقف، موقوف و موقوف علیه شرایطی در نظر گرفته شده از جمله اینکه وقف نباید مشروط به تحقق شرط یا صفتی در آینده باشد و وقف لازم است دائم و پایدار باشد و واقف نباید خودش از جمله بهرمندان از موقوفه باشد. موقوف علیه نیز باید شرایطی چون وجود داشتن، تعیین شدن، صحت تملک، اسلام و ایمان داشته باشد، شرط وجود موقوف علیه و صحت تملک وی موجب اخلاف نظر در مورد وقف بر جنین شده است که در این تحقیق پس از بیان کلیاتی در مورد تعریف وقف و قبض به بیان أدله طرفین و تحلیل و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## کلیات

### \* تعریف وقف از دیدگاه مذاهب اسلامی

وقف (جمع آن وقوف و أوقاف) در لغت به معنای ایستادن و نگه داشتن است (ابن منظور، ج ۹، ص ۳۵۹) و در اصطلاح فقهای امامیه وقف به معنای "حبس کردن عین و تسبیل منفعت" است (امام خمینی، ج ۲، ص ۶۲، محقق حلی، ج ۲۸، ص ۱۵۳)

همین تعریف دقیقاً در ماده ۵۵ قانون مدنی نیز تکرار شده است، از این تعریف فقهای امامیه چند نکته بدست می آید:  
۱- با توجه به عبارت "عین مال" در می یابیم که مال موقوفه صرفاً باید عین باشد و سایر اموال (از قبیل منافع و حقوق) قابل وقف کردن نیست.

۲- منظور از حبس، ممنوع کردن نقل و انتقال و یا تصرفاتی است که موجب تلف عین می شود  
۳- منظور از تسبیل آن است که واقف از استفاده منافع مال موقوفه به طور شخصی صرف نظر کند و مقرر کند که در راه خدا مصرف شود (امینیان مدرس، ص ۲۷ و ۲۸)  
تعریف وقف در بیان فقهای أهل سنت نیز وارد شده است:

۱- در کتاب "تیسیر الوقوف علی غوامض احکام الوقوف" امام مناوی از فقهای شافعی وقف را چنین تعریف کرده است:  
"وقف به حبس مالی که انتفاع از آن با بقای عین ممکن باشد و تصرف در اصل مال ممنوع گردد و منافع به قصد قربت هزینه شود گفته میشود" (امام مناوی، ج ۱، ص ۳۵۶)

در این تعریف ۳ ویژگی مهم برای وقف بر شمرده است که عبارتند از:  
الف: حبس مال موقوفه

ب: ممنوعیت از تصرف و نقل و انتقال

ج: بقای عین با فرض انتفاع از آن

۲- امام سرخسی از فقهای احناف در کتاب "المبسوط" در تعریف وقف گفته است:  
"وقف حبس مال مملوک از تملیک سایرین"<sup>۱</sup> (سرخسی، ج ۲۵، ص ۴۵۷) در این تعریف نیز وقف به معنای منع و حبس مال از تصرف مالکانه بیان شده است.

۳- ابن عرفه مالکی از فقهای مالکیه در کتاب "الخرشی" وقف را بدین صورت تعریف کرده است:

<sup>۱</sup> الوقف حبس المملوک عن التملیک الغير

"وقف اعطا منفعت شیء در مدت وجود آن شیء در حالی که لازم است عین آن در ملک اعطا کننده باقی بماند هر چند که به صورت تقدیری باشد"<sup>۲</sup> (شارح خراشی، ص ۲۳۴)

در این تعریف مقصود از "به صورت تقدیری" این می باشد که لازم نیست که عین مال در ید اعطا کننده باشد

۴- ابن قدامه از فقهای حنابلہ در تعریف وقف آورده است:

"وقف حبس کردن أصل و تسبیل ثمره"<sup>۳</sup> را می گویند، در این تعریف منظور از "أصل" همان عین و منظور از "ثمره" همان منفعت است (ابن قدامه، ج ۷، ص ۵۲۳)

با توجه به تعاریف مذکور به نظر می رسد تعریف فقهای امامیه تعریفی جامع و کوتاه می باشد و مبنای تعریف وقف خواهد بود.

### تعریف قبض

قبض از لحاظ لغوی به معنای به دست گرفتن یا گرفتن به تمام دست می باشد (ابن فارس، ج ۳، ص ۱۱۰۰) و معنای اصطلاحی آن نیز یکسان با معنای لغوی آن است.

### تأثیر قبض در عقد وقف

در اینکه قبض عین موقوفه شرط صحت وقف است یا لزوم آن، میان فقهاء اختلاف است منظور از شرط صحت آن است که وقف بدون قبض محقق نمی شود و منظور از شرط لزوم این است که وقف با ایجاب و قبول محقق می شود اما تا قبل از قبض واقف حق رجوع دارد (امینیان مدرس، ص ۴۷)

مشهور فقهای امامیه و مشهور حقوق دانان معتقدند که قبض شرط صحت است (امام خمینی، ج ۲، ص ۶۴، مسأله ۸، علامه حلی، ص ۷۶، شهید ثانی، ج ۴، ص ۲۴۶، شهید اول، ج ۲، ص ۲۶۶، محقق حلی، ج ۲، ص ۴۴۹، امامی، ج ۴، ص ۳۴۵، شاه باغ، ص ۳۲۱، صفایی، ص ۳۳۹، کاتوزیان، ج ۳، ص ۲۴۹)

در مقابل عده ایی از فقهای امامیه و مشهور فقهای أهل سنت (ایروانی، ج ۲، ص ۴۳۶، کلبی، ص ۳۸۰، مغنیه، ج ۱، ص ۵۹۶، زحیلی، ج ۱۰، ص ۷۶۳۸ تا ۷۶۴۱) و عده ایی از حقوق دانان (بروجردی عبده، ص ۴۵۵، عدل، ج ۸، ص ۱۳۵) معتقدند که قبض شرط لزوم است

در قانون مدنی در مورد وضع حقوقی قبض مال موقوفه ظاهراً مغایرت هایی وجود دارد، به عنوان مثال ماده ۵۹ قانون مدنی ظهور در آن دارد که قبض شرط صحت است و قبل از آن وقف تحقق پیدا نکرده است.

اما از مواد ۵۶ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ قانون مدنی<sup>۴، ۵، ۶، ۷، ۸</sup> استنباط میشود که قانون گذار قبض را شرط لزوم دانسته است، زیرا در ماده ۵۶ تنها ایجاب و قبول را برای انعقاد عقد وقف کافی می داند و ماده ۶۰ نیز دلالت بر این دارد که وقف با ایجاب و قبول منعقد میشود اما تا قبل از قبض متزلزل است و هنگامی تمام می شود که قبض محقق شده باشد

<sup>۲</sup> الوقف هو إعطاء منفعة الشيء مدة وجوده لازماً بقائه في ملك معطيه ولو تقديراً

<sup>۳</sup> الوقف هو تحبیس الأصل و تسبیل الثمره

<sup>۴</sup> ماده ۵۶ قانون مدنی: وقف واقع میشود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنای آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و یا اگر وقف بر موقوف علیهم غیر محصور باشد یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است.

<sup>۵</sup> ماده ۵۹ قانون مدنی: اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی شود و هر وقف به قبض داد وقف محقق می شود.

<sup>۶</sup> ماده ۶۰ قانون مدنی: در قبض فوریت شرط نیست بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقف قبض بدهد وقف تمام می شود.

<sup>۷</sup> ماده ۶۱ قانون مدنی: وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری دهد و یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آنها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند.

و در ماده ۶۱ نیز ظاهراً عقد وقف با ایجاب و قبول به نحو صحت واقع می شود لیکن به صورت جایز وبعد از حصول قبض لازم می شود.

و در ماده ۶۲ نیز ظاهراً سمت تولیت بعد از ایجاب و قبول (یعنی بعد وقوع عقد) و قبل از قبض حاصل شده است و پس از آن متولی با داشتن سمت تولیت موقوفه را قبض می نماید.

بنابراین از جمع مواد مذکور میتوان فهمید که قانونگذار قبض را شرط لزوم می داند، هر چند که طبق ماده ۴۷ قانون مدنی<sup>۹</sup> در حبس، قبض شرط صحت است و بر همین مبنا می توان واژه "محقق" در ماده ۵۹ را، به معنای لزوم در نظر گرفت، زیرا اگر بگوییم قبل از قبض، مالک، عنوان واقف پیدا کرده است خود مبین این است که وقف با ایجاب و قبول منعقد شده هر چند تا قبل از قبض استقرار ندارد.

علاوه بر این رأی اصراری<sup>۱۰</sup> هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور به شماره ۱۸۶۹/۹/۳۵ مؤید این نظریه است که طبق ماده ۶۱ قانون مدنی وقف پس از قبض لازم گردیده است.

### مورد وقف بر جنین

یکی از شرایط موقوف علیهم در فقه مذاهب اسلامی و قانون مدنی ایران این است که موقوف علیه باید حین وقف موجود باشد بر همین اساس مشهور فقهای امامیه (محقق حلی، ج ۲۲ ص ۱۵۳، علامه حلی، ج ۲، کتاب وقف، حسینی عاملی، ج ۹، ص ۴۸، نجفی ج ۲۸، ص ۲۶، شهید ثانی، ج ۵، ص ۳۲۷، ابن ادریس، ج ۳، ص ۱۵۶، شیخ طوسی، ج ۳ ص ۲۹۲) و مشهور فقهای اهل سنت (زحیلی، ج ۱۰، ص ۷۶۳۸ تا ۷۶۴۱، مغنیه، ج ۱، ص ۱۵۶) معتقدند که وقف بر جنین صحیح نخواهد بود. متقابلاً عده‌ایی از فقها و حقوق دانان (طباطبایی، ج ۶، ص ۱۴ تا ۳۱۶، نجفی، ج ۲۸ ص ۲۶، امامی، ج ۵، ص ۳۵۴، کاتوزیان، ج ۳، ص ۲۳۱) معتقدند که وقف بر جنین صحیح است که به ذکر دلایل آنان ضمن بررسی دلایل مشهور می پردازیم.

### دلایل بطلان وقف بر جنین

- ۱- اجماع: مرحوم ابن ادریس در کتاب سرائر اجماع ادعا کرده است (سرائر، ج ۳، ص ۱۵۶)
  - ۲- عدم اهلیت تملک جنین: مشهور معتقدند که جنین توانایی و اهلیت تملک مال موقوفه را ندارند (زحیلی، ج ۱۰، ص ۷۶۳۸ تا ۷۶۴۱، مغنیه، ج ۱، ص ۱۵۶)
  - ۳- قبض شرط صحت وقف است و جنین توانایی قبض ندارد (نجفی، ج ۲۸، ص ۲۶)
  - ۴- حیات و وجود جنین هنگام وقف یقینی نیست (علامه حلی، ج ۹، ص ۳۴۲)
- اینک به بررسی این ادله می پردازیم:
- ۱- تحقق اجماع مورد به ۲ دلیل مناقشه است:
 

اولاً: اجماع ادعا شده، اجماع منقول است و اجماع منقول بنابر نظر فقها حجت نیست (انصاری، ص ۴۳۴)

ثانیاً: اصلاً اجماعی وجود ندارد زیرا که مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی صاحب عروه، جنین و حمل را در حکم طفل شیر خوار موجود می داند (طباطبایی یزدی، ج ۶، ص ۳۱۴) علاوه بر این طبق مذهب مالکی وقف بر جنین و حمل صحیح است و زمانی لازم می شود که جنین زنده به دنیا بیاید (مغنیه، ج ۱، ص ۵۹۶)

۲- عدم اهلیت تملک جنین نیز به ۳ مورد مناقشه است:

<sup>۸</sup> ماده ۶۲ قانون مدنی: در صورتی که موقوف علیهم محصور باشد خود آنها قبض می کنند و قبض طبقه اول کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف و الا حاکم قبض می کند.

<sup>۹</sup> ماده ۴۷ قانون مدنی: در حبس اعم از عمری و غیره، قبض شرط صحت است.

<sup>۱۰</sup> متن رأی اصراری: با تسالم طرفین به صحت مندرجات متن وقف نامه از حیث تحقق وقف به نحو صحت و لزوم آن در تاریخ ۲۵ شوال ۱۳۷۲ قمری و با توجه به اصول و مقررات مربوط به موضوع ماده ۶۱ قانون مدنی اختیاری برای واقف در تغییر موضوع وقف و اخراج آقا جان و اعقاب او باقی نبوده و شرح مندرج در هامش وقف نامه بر فرض اینکه در همان تاریخ نوشته شده باشد بلا اثر است....

اولاً (جواب نقضی): اگر حمل اهلیت تملک ندارد پس چرا تمامی فقهاء وقف بر معدوم به تبع موجود را صحیح دانسته اند؟ اگر تملیک بر معدوم غیر معقول باشد فرقی میان وقف به صورت استقلالی و تبعی نخواهد بود<sup>۱۱</sup> لذا با استناد به این نظر فقهاء معلوم میشود که حمل اهلیت تملک دارد.

ثانیاً (جواب حلی): ملکیت از امور اعتباری هست و وجود یا عدم آن به اعتبار عقلاء است و امر اعتباری محتاج به محل خارجی نیست بلکه صرف وجود محل اعتباری کفایت می کند همان طور که دحکام تکلیفی وجود اعتباری دارند زیرا اگر وجود شان وابسته به خارج بود لازم بود که تا زمانی که وجود خارجی پیدا نکرده باشند حکم بر روی آنان بار نشود، در حالی که می بینیم احکام بر روی عناوین کلی که هنوز وجود خارجی پیدا نکرده اند حمل می شود.<sup>۱۲</sup>

ثالثاً: وقف تملیک نیست تا نیاز باشد که قابل، اهلیت تملک داشته باشد زیرا فقهاء وقف بر حجّاج و زوّار را صحیح دانسته اند هر چند که در حین وقف هیچ زائر یا حاجی وجود نداشته باشد.<sup>۱۳</sup>

۳- به ۳ دلیل می توان گفت که قبض شرط صحت نمی باشد:

اولاً: طبق نظر صاحب جواهر و صاحب عروه ولی جنین یا حاکم یا متولی وقف می تواند به جای جنین مال موقوفه را قبض کند و از آنجایی که ثابت کردیم وقف عقدی تملیکی نیست که نیاز به اهلیت تملک داشته باشد پس می توان بعد از به دنیا آمدن و رسیدن به سن بلوغ مال موقوفه را به قبض طفل داد (طباطبایی، ج ۶، ص ۳۱۶، نجفی، ج ۲۸، ص ۲۶)

ثانیاً: مستند فتوای مشهور، روایت صحیح صفوان بن یحیی<sup>۱۴</sup> از ابا الحسن (ع) است که مستفاد از این روایت، جواز رجوع واقف قبل از تسلیم مال موقوفه است و این دال بر آن است که قبض شرط لزوم است. (ایروانی، ج ۳، ص ۲۰۷)

ثالثاً: مقتضی اطلاق حدیث "الوقوف علی حسب ما یقفها أهلها" این است که وقف بدون شرط قبض صحیح و لازم است و وجه جمع میان این روایت و روایت صفوان بن یحیی این است که قبض صرفاً شرط لزوم باشد پس وقف بدون قبض نیز صحیح است (ایروانی، ج ۳، ص ۲۰۹)

۴- این دلیل مشتمل بر این نظریه بود که حیات و وجود جنین یقینی نیست (علامه حلی، ج ۹، ص ۳۴۲)

اما این دلیل نیز به ۲ علت باطل است:

اولاً: از لحاظ عرفی جنین را مثل یک موجود زنده دارای وجود می دانند و به همین خاطر صاحب عروه جنین را مثل یک طفل شیر خوار موجود می داند (طباطبایی، ج ۶، ص ۳۱۴)

ثانیاً: در شرع مقدس و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ برای سقط جنین دیه تعیین شده است و این بیانگر این مطلب است که شارع و قانون گذار جنین را مثل سایر انسان ها دارای وجود دانسته و در صورت سقط و گرفتن جان او دیه را برای مرتکب قرار داده است (ماده ۷۱۸ ق.م.ا، شهید اول، ص ۵۷۱)

<sup>۱۱</sup> یرد علیهم النقص بما اذا كان تبعاً لموجود فإنهم یجوزونه كأن اذا وقف علی أولاده الموجود و من سیوجد منهم و كما فی سائر البطون اللاحقة فإن تملیک المعدوم لو كان غیر معقول لم یکن الفرق بین الاستقلال و التبعية و ما فی الجواهر: من أن معنی تبعیة البطن الثانی للأول أن الشارع جعل عقد الوقف سبباً لملک المعدوم بعد وجوده (طباطبایی، ج ۶، ص ۳۱۴)

<sup>۱۲</sup> أن التحقیق أن الملكة من الامور الاعتبارية فوجودها عين الاعتبار العقلانی و لیست كالسواد و البیاض المحتاجین الی محل خارجی بل یکفیها المحل الاعتباری، بل أقول: إن الجمیع الأحكام الشرعية من الوجوب و الحرمة و نحوهما، و کذا سائر الوضعیات و أحكام الموالی بالنسبة الی العبد و السلاطین بالنسبة الی الرعايا، اعتبارات عقلائیه..... (طباطبایی، ج ۶، ص ۳۱۵ و ۳۱۶)

<sup>۱۳</sup> أن الوقف لیس تملیکاً كما مرّ مراراً ثم الظاهر عدم الإشکال فی جواز الوقف علی الحجّاج و الزوّار مع عدم وجود زائر أو حاج حین الوقف..... (طباطبایی، ج ۶، ص ۳۱۶)

<sup>۱۴</sup> "سألته عن الرجل یقف الضیعة ثم یدو له أن یحدث فی ذلك شیئاً، فقال: إن كان وقفها لولده و لغيرهم ثمّ عل لها قیماً لم یکن أن یرجع فیها و إن كانوا صغاراً و قد شرط ولایتها لهم حتی بلغوا فیحوزها لهم لم یکن له أن یرجع فیها و إن كانوا كباراً و لم یسلمها الیهم و لم یخاصموا حتی یحوزها عنه فله أن یرجع فیها لأنهم لا یحوزونها عنه و قد بلغوا" فإنها دلّت علی جواز الرجوع قبل التسلیم و ذلك لا یقتضی أكثر من عدم اللزوم.

### نظریه مختار

در مقام جمع میان نظرات مذکور می توان قائل به این نظریه شد که با فرض شرط لزوم بودن قبض در وقف و با این فرض که در قبض مال موقوفه فوریت لازم نیست، جنین دارای اهلیت نسبی است، یعنی واقف می تواند بر او وقف کند اما تا زمانی که زنده به دنیا بیاید و به سن بلوغ و رشد برسد ولی قهری او یا در صورت عدم وجود ولی، حاکم شرع عهده دار حفظ مال موقوفه و استفاده از منافع آن در جهت مصلحت جنین می باشد

### نتیجه گیری\*

در فقه مذاهب اسلامی در مورد صحت یا عدم صحت وقف بر جنین ۲ نظریه وجود دارد:

۱- نظریه مشهور فقهای امامیه و اهل سنت: که آنان معتقد به عدم صحت وقف بر جنین می باشند و دلایل آنان نیز عدم اهلیت جنین برای تملک و شرط صحت بودن قبض و اینکه حیات جنین یقینی نیست، استوار می باشد.

۲- نظریه عده ایی از فقهای اهل سنت و امامیه و عده ایی از حقوق دانان: معتقد به صحت وقف بر جنین هستند و دلایل آنان نیز شرط لزوم بودن قبض در وقف و اینکه وقف عقدی تملیکی نیست تا قابل نیاز به اهلیت داشته باشد و اینکه جنین موجود است، استوار می باشد.

## منابع و مراجع

- [۱] آمینیان مدرس، محمد، ۱۳۹۱، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، چاپ چهارم، انتشارات سمت
- [۲] ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه
- [۳] ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد، ۶۲۰، دمشق انتشارات مکتبه القاهره
- [۴] ابن فارس، أحمد، ۳۹۵ق، معجم المقاییس اللغه، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دار الفکر
- [۵] امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۱۳۴۰ش، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة
- [۶] ابن جزی الکلبی، محمد بن عبدالله، القوانین الفقهیة، بی تا، بیروت، انتشارات دار المعرفه
- [۷] إیروانی، سید محمد باقر، دروس تمهیدیة فی الفقه الاسلامی، بی تا، چاپ دوم، بیروت، انتشارات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة
- [۸] بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، ۱۳۲۹ه.ش، تهران، انتشارات محمد علی علمی
- [۹] جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیة تحقیق أحمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین
- [۱۰] حائری شاه باغ، سید علی، ۱۳۲۸ه.ش، شرح قانون مدنی، تهران، چاپ خانه خورشید
- [۱۱] حسینی عاملی، سید محمد جواد، ۱۲۲۶ه.ق، مفتاح الکرامه، قم، النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- [۱۲] زحیلی، وهبه، بی تا، الفقه الاسلامی و أدلته، دمشق، انتشارات دار الفکر
- [۱۳] سرخسی، شمس الدین، ۱۴۰۶، المبسوط، بیروت، دار المعرفه
- [۱۴] شارح خراسی، محمد بن عبدالله، ۱۱۰۱ق، الخرشی علی مختر سید الخلیل، قم، کتابخانه مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه)
- [۱۵] شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۱۳ق، شرح لمعه، قم، موسسه معارف الاسلامیه
- [۱۶] \_\_\_\_\_، مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، موسسه معارف الاسلامیه، چاپ اول
- [۱۷] شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی عاملی، اللعه دمشقیه، تهران، انتشارات نشر دانش، چاپ اول
- [۱۸] شیخ طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، انتشارات المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم
- [۱۹] صفایی، حسین، أشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، چاپ ۱۳۸۶
- [۲۰] علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۸، تبصره المتعلمین، قم، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث
- [۲۱] \_\_\_\_\_، تذکره الفقهاء، قم، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث،
- [۲۲] \_\_\_\_\_، قواعد الأحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین،
- [۲۳] عدل، مصطفی، حقوق مدنی، ۱۳۵۴ه.ش، چاپخانه گلشن، تهران
- [۲۴] عبید کبسی، محمد، أحكام وقف در شریعت اسلام ترجمه احمد صادقی گلدار، انتشارات اداره کل حج و أوقاف و امور خیریه، چاپ ۱۳۶۴
- [۲۵] کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین ۳)، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات یلدا،
- [۲۶] موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، بی تا، مطبعه الآداب النجف الأشرف
- [۲۷] محقق حلی، أبوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن بن یحی بن سعید، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ سنگی عبد الرحیم، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ ۱۳۷۷
- [۲۸] مناوی الشافعی، عبد الرووف، ۱۴۱۸ق، التیسیر الوقوف علی غوامض أحكام الوقوف، بیروت، انتشارات دار المعرفه، چاپ اول
- [۲۹] مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بی تا، بیروت، انتشارات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه
- [۳۰] نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، انتشارات دار الإحیاء التراث العربی، چاپ هفتم

[۳۱] یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، ۱۴۰۹ق، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، بیروت، موسسه الأعلمی  
للمطبوعات، چاپ دوم